

## اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن

دکتر مصطفی سلیمی فر

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

محمد کیوانفر<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی اقتصاد بازرگانی دانشگاه

فردوسی مشهد

### چکیده

در مقاله حاضر، ابتدا به تشریح مفهوم اقتصاد غیررسمی و جایگاه آن در ادبیات اقتصادی پرداخته، سپس علل و عوامل ایجاد بخش غیررسمی بررسی شده و حجم بخش غیررسمی برآورد شده است. پس از آن اثر تورم بر اقتصاد غیررسمی برآورد شده است. برای محاسبه اندازه اقتصاد غیررسمی از روش شکاف درآمدی، استفاده شده و حجم آن در بخش شهری در اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ برآورد شده است. نتایج حاصل از این تحقیق، روند افزایشی حجم بخش غیررسمی را در سال‌های جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. پس از جنگ تحمیلی نیز نوساناتی در بخش پنهان اقتصاد در دوره مورد بررسی دیده می‌شود. در بخش پایانی پس از بررسی پایایی متغیرهای مورد آزمون، با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، اثر نرخ تورم به تفکیک گروه‌های اختصاصی بر اندازه بخش غیررسمی سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد تنها افزایش نرخ تورم در گروه کالا، افزایش بخش غیررسمی شهری را به دنبال دارد.

**واژه‌های کلیدی:** اقتصاد رسمی، اقتصاد غیررسمی، حجم اقتصاد غیررسمی، تورم، روش شکاف درآمدی،

روش OLS

طبقه‌بندی E31, O53, O17: JEL

## Informal Economy in Iran and The Effect of Inflation on It

**Mostafa Salimifar, PhD,**

*Associate Professor in Economics,  
Ferdowsi University of Mashhad*

**Mohammad Keivanfar**

*BA Student in Business Economics,  
Ferdowsi University of Mashhad*

### Abstract

In present paper, first the concept of informal economy and its place in the economic literature has been described. Then the causes and factors involved in providing the informal sector was examined and the volume of informal economy was estimated. Second, the effect of inflation on informal economy was surveyed. To estimate the volume of informal sector, Residual discrepancy method was used and the volume of informal economy in urban areas in Iran economy from 1982/83 to 2008/09 was calculated. The results show the increasing trend of informal sector volume, during the imposed Iraq-Iran war. In addition, after the imposed war some fluctuation in the hidden economy has been detected. In the final part, after studying existing stationary of the used variables, the effect of inflation rate (in special groups) on the informal sector was examined by using OLS method. The results show that urban informal sector increase, if only inflation rate in the goods group grow up.

**Keywords:** Formal Economy, Informal Economy, Volume of the Informal Economy, Inflation, Residual Discrepancy Method, OLS method.

**JEL:** O17, O53 and E31

### ۱ - مقدمه

توجه به اقتصاد ملی و بخش‌های مختلف آن همواره یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه سیاستمداران و سیاست‌گذاران اقتصادی می‌باشد. در ادبیات اقتصادی، اقتصاد را به دو بخش تقسیم می‌کنند: بخش رسمی<sup>۱</sup> و بخش غیررسمی<sup>۲</sup>. در دهه‌های اخیر، توجه به بخش غیررسمی

1 - Formal economy

2 - Informal economy

مورد توجه سیاست مداران و اقتصاددانان و حتی آمار دانان بوده است. گسترش شهر نشینی از یک سو و عدم افزایش تولید شغل متناسب با آن از سوی دیگر، گسترش بخش غیررسمی را در اقتصاد به دنبال داشته است. نظیر چنین اتفاقی را در کشور خودمان نیز مشاهده می کنیم. فارغ از دلایل گسترش شهر نشینی در کشورمان، این پدیده باعث ورود تعداد زیادی از روستایشان به شهرها و از ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ شده است. این افراد که اغلب جوان هم هستند، به امید یافتن درآمد بیشتر و زندگی بهتر به شهرها مهاجرت می کنند؛ اما در آن سوی ماجرا مشاغل در شهرها محدود هستند که به سرعت رشد نمی کنند. نتیجه این اتفاق چه خواهد شد؟ از یک طرف شغلی وجود ندارد و از طرف دیگر، افراد باید به تأمین نیازهای خانواده خود پردازند. در این موقعیت است که فرد سعی می کند با ورود به بخش غیررسمی، خانواده و خود را تأمین کند. اگر از زاویه دیگر به بخش غیررسمی نگاه کنیم، افرادی را نیز می بینیم که شغل ثابتی دارند ولی به دلیل فزونی هزینه بر درآمد در کنار بخش رسمی، در بخش غیررسمی هم فعالیت می کنند. اگر بخواهیم نمونه های ساده ای را در این باره یادآور شویم، می توانیم از پدیده های مسافربری شخصی، دستفروشی و... نام ببریم. اما آنچه بررسی شد، جنبه مثبت بخش پنهان بود؛ چرا که در بخش سایه ای اقتصاد، قسمت هایی نیز وجود دارد که افراد با استفاده از خلأهای قانونی و یا زیر پا گذاشتن قوانین، سودهای فراوانی به دست می آورند، نمونه هایی چون قاچاق کالا از این دسته هستند.

یکی از عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی، افزایش سطح عمومی قیمت ها و یا تورم می باشد. این موضوع در کشور ما که سالیان بسیار تورم گریبان اقتصاد آن است، اهمیت بیشتری دارد. از این رو بررسی اثر تورم بر تفکیک گروه های اختصاصی به بخش غیررسمی و به تبع آن، شناسایی گروه هایی که بیشترین اثر را بر اقتصاد غیررسمی می گذارند، به سیاست گذاران کمک خواهد کرد تا تصمیمات صحیح تری اتخاذ کنند.

امروزه می توان گفت که بخشی از اقتصاد کشورها به خصوص در کشورهای در حال توسعه، از اقتصاد غیررسمی تشکیل شده است و کشور ما نیز از این مورد مستثنا نیست. در مورد این که بخش غیررسمی مفید است یا مضر و یا باید وجود داشته باشد یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. آنچه در این نوشتار به آن توجه و تأکید می شود، این است که گسترش بخش غیررسمی پدیده ای ناخوشایند و مضر است و باید عوامل آن را شناخت و سپس با استفاده از سیاست های صحیح و

کارآمد با آن مقابله کرد. بر این اساس در مقاله حاضر، نخست پس از ارائه تعاریف و مفاهیم این حوزه به بررسی دلایل ایجاد بخش غیررسمی و آثار گسترش این بخش پرداخته شده است. سپس با استفاده از روش شکاف درآمدي، سال های مهم بخش غیر رسمی شهری سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه به بررسی اثر تورم در گروه های اختصاصی بر رشد بخش غیررسمی (در بخش شهری) پرداخته شده است. در بخش پایانی نیز با عنوان نتایج، ضمن نتیجه گیری و جمع بندی، پیشنهادهایی ارائه شده است.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱- اقتصاد غیررسمی

در ادبیات اقتصادی در مورد وجود بخش غیررسمی در کنار بخش رسمی، بحث های زیادی مطرح شده است و به طور کلی می توان گفت اقتصاد به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می شود. اگر بخواهیم تعریف ساده ای از اقتصاد غیررسمی داشته باشیم، باید بگوییم که اقتصاد غیررسمی، بخشی است که با وجود این که ارزش افزوده ایجاد می کند، در هیچ کجا ثبت نمی شود. باید یادآور شد که از اقتصاد غیررسمی با عناوین متعددی نام برده می شود؛ به گونه ای که آن را اقتصاد سایه ای<sup>۱</sup>، زیر زمینی<sup>۲</sup> و پنهان<sup>۳</sup> نیز نامیده اند.

اقتصاد غیررسمی پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال حضور گسترده دولت در عرصه اقتصاد و در نتیجه ایجاد انگیزه های قوی در عاملان اقتصادی برای حرکت به سمت بخش غیررسمی مورد توجه قرار گرفت و طی دهه های اخیر، ادبیات آن پیشرفت قابل توجهی داشته و اقتصاددانان با پی بردن به اهمیت این موضوع، گوشیده اند به بررسی و تحقیق بیشتر و معرفی روش های مناسب تر تخمین آن پردازند (Esfandiari:2002).

باید گفت که تا کنون تلاش های بسیاری برای ارائه تعریفی کامل از اقتصاد غیررسمی به گونه ای که بتواند همه جنبه های آن را در برگیرد تلاش های بسیاری، شده است. اما باید این نکته را

1 - Shadow economy

2 - Underground economy

3 - Hidden economy

ذکر کرد که با وجود همه این تلاش‌ها، هنوز هم ابهامات فراوانی در این مورد در میان اقتصاددانان دیده می‌شود.

فاینگ در تعریفی از اقتصاد غیررسمی آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند: غیر قانونی، گزارش نشده، ثبت نشده، غیررسمی (Fige: ۱۹۹۰). در تشریح هر یک از بخش‌ها باید چنین گفت؛ منظور از بخش غیر قانونی، همه فعالیت‌هایی هستند که از نظر قوانین یک کشور ممنوع می‌باشد. پدیده‌هایی چون قاچاق مواد مخدر از این دسته هستند. فعالیت‌هایی نظیر قاچاق کالا و فرار مالیاتی که معمولاً در پاسخ به سیاست‌های دولت صورت می‌گیرد، در بخش گزارش نشده قرار می‌گیرند. در مورد بخش ثبت نشده هم بهترین مثال، فعالیت خانه داری در منزل و فعالیت‌های داوطلبانه می‌باشد. بخش غیررسمی هم شامل تولیدات جزئی می‌شود که با پیشرفت سیستم‌های ثبت اطلاعات به تدریج کاهش می‌یابند. تانزی در تعریف بخش غیررسمی می‌گوید: «این بخش از اقتصاد به دلیل وجود برخی فعالیت‌ها که اندازه‌گیری و اخذ مالیات از آنها دشوار است همچون کار خانگی و نیز فعالیت‌های غیر قانونی و پنهانی به وجود می‌آید» (Tanzi: ۱۹۹۹). فلمینگ و همکاران نشان دادند که امکان دارد بتوان در تعریف اقتصاد پنهان بین دو رویکرد تمایز قایل شویم:

رویکرد تعریفی: اقتصاد سایه ای را به عنوان فعالیت‌های ثبت نشده اقتصادی نشان می‌دهد.

رویکرد رفتاری: بر رابطه قوانین نهادی و محیط اجتماعی تأکید می‌کند (Fleming: ۲۰۰۰ and Others). توماس فعالیت‌های اقتصادی را به دو دسته کلی رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند و بخش غیررسمی را مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که به عللی در حساب‌های ملی نمی‌آیند. سازمان بین‌المللی کار برای تعریف اقتصاد بخش غیررسمی ویژگی‌های زیر را ارائه کرده است:

۱- نیاز به هزینه کم؛ ۲- کارگر بر؛ ۳- ورود آسان به این بخش؛ ۴- کمی نیاز به تخصص و تحصیلات رسمی؛ ۵- عرضه خدمات و تولیدات قابل رقابت.

توماس فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی را در چهار گروه قرار می‌دهد:

۱- بخش خانوار: این بخش کالاها و خدماتی تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود.

۲- بخش غیررسمی: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه علاوه بر تولیدات خانگی، در کنار تولیدات سنتی (عمدتاً در بخش کشاورزی) و بخش صنعتی مدرن، بخش دیگری وجود

دارد که مورد توجه اقتصاددانان است. با آن که فعالیت کسبه دوره گرد از بارزترین نوع این فعالیت‌ها است اما کارگاه‌های کوچک بدون کارگر که اغلب در خانه‌ها قرار دارند (کارگاه خانگی) از نظر تعداد اهمیت بیشتری دارند.

۳- بخش نامنظم: تمام فعالیت‌های طبقه بندی شده در این بخش، کم و بیش نوعی از ماهیت غیر قانونی بودن مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه) و تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارد.

۴- بخش غیر قانونی (جزایی یا جنایی):

همان طور که قبلاً اشاره کردیم، تولیدات بخش نامنظم، قانونی و مجاز است؛ ولی تولیدات بخش غیر قانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر دزدی، تولید مواد مخدر و غیره می‌باشد.

اشنايدر دانست همه فعالیت‌هایی را که در GNP ای که به طور رسمی اندازه گیری شده، وارد نمی‌شود، اقتصاد غیررسمی می‌داند. بر مبنای نظر ژرمانگ، منظور از اصطلاح اقتصاد زیر زمینی، هر گونه فعالیت اقتصادی است که در حاشیه قوانین کیفری اجتماعی و مالیاتی انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، فعالیتی است که درآمد سالانه آن ثبت نمی‌شود.

در ادامه به برخی از تعاریف استفاده شده در مطالعات داخلی می‌پردازیم. خلعت بری در مقاله ای با عنوان «اقتصاد زیر زمینی» به توصیف فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی که با این عنوان، قابل طبقه بندی کردن هستند، پرداخته است و معتقد است که اقتصاد زیرزمینی، فعالیت‌هایی مولد ارزش افزوده است ولی در قالب اقتصاد رسمی تعریف نمی‌شود (Khalatbari: ۱۹۹۰). خورشیدی بخش غیررسمی را «واحدهای بسیار کوچک تولید و توزیع کالاها و خدمات مرکب از بخش اعظم تولید کنندگان مستقل و مشاغل فردی در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، که برخی از آنها نیز از نیروی کار خانوادگی و یا تعداد معدودی کارگر مزد بگیر یا شاگرد استفاده می‌کنند» معرفی می‌کند. به گفته او «سرمایه این واحدها بسیار اندک است و گاهی حتی فاقد سرمایه هستند و نیز از سطح نازل مهارت‌ها بهره می‌برند. بنابراین از بهره وری کمتری برخوردارند.» بخش غیر رسمی از نظر محمد بیگی «معرف استمرار روش‌های سنتی تولید» است «که از اشکالی چون خود اشتغالی به قصد تأمین معاش و اشتغال برای بخش عمده جمعیت روز افزون و فقیر کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد.» (Mohammadbeygi: ۱۹۹۷).

دیدگاه نایب بهترین تعریف بخش غیررسمی (با توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران) زمانی است که آن را مشاغل آزاد و مزد و حقوق بگیر خصوصی که مالیات پرداخت نمی کنند، ذکر کنیم (Nayeb: ۱۹۹۹).

به هر حال به نظر می رسد، آن بخش که بررسی و اندازه گیری آن مهم تر است، بخش نامنظم در تعریف توماس است. زیرا افراد زیادی وجود دارند که به دلیل عدم وجود کار و یا فزونی هزینه بر درآمد، وارد این بخش می شوند و بررسی این بخش به نوعی می تواند آینه ای در برابر سیاست مداران و اقتصاددانان باشد؛ چرا که قسمت عمده ای از دلایل و علل ایجاد این بخش، در اثر سیاست های اقتصادی به وجود می آید. از این قسمت به بعد واژه غیررسمی، سایه ای، زیرزمینی، پنهان و سیاه عیناً به جای هم به کار می رود و منظور بخش نامنظم در تعریف توماس می باشد.

## ۲-۲: علل و عوامل ایجاد بخش غیررسمی

در بررسی عوامل ایجاد بخش غیررسمی یا به عبارت بهتر، دلایل ورود افراد به بخش زیر زمینی موضوعات زیادی مطرح شده است و آنچه در ادامه می آید، در حقیقت مهم ترین آنهاست:

### ۲-۲-۱: بار مالیاتی و فرار از مالیات

در موارد بسیاری دیده شده که تولید کنندگان کالا یا خدمتی رسمی جهت فرار از مالیات، تمام یا بخشی از درآمد خود را به منابع مالیاتی اعلام نمی کنند. به عقیده توماس، انگیزه اصلی روی آوردن به بخش نامنظم، فرار از مالیات می باشد. افزایش بار مالیاتی بر حضور نیروی کار در بخش رسمی تأثیر می گذارد؛ به گونه ای که فرد هر چه بین درآمد قبل و بعد از کسر مالیات خود تفاوت بالاتری ببیند، به سمت بخش غیررسمی حرکت می کند. در توضیح این ادعا باید گفت که با توجه به رفتار عقلایی نیروی کار، زمانی که او مشاهده می کند با همان میزان کار درآمد بیشتری می تواند به دست آورد و از طرفی هم با توجه به میزان کار و فراغت خود، حرکت به سمت نقطه تعادل و بهینه کار و فراغت را که فعالیت بیشتری در بخش پنهان با درآمد بالاتر است، ترجیح می دهد. این موضوع در کشورهای در حال توسعه از جمله کشورمان، به طور قابل ملاحظه ای مشهود است. افزایش و کاهش نرخ مالیات بدون مطالعه اثراتش بر روی بخش زیر زمینی می تواند به عنوان یک دلیل مهم خود را نمایان کند. نبود نظام مالیاتی کارآمد و سیاست ها و روش های مستمر و بلند مدت را می توان از جمله عوامل تشدید کننده حرکت به سمت فرار از مالیات و ورود به بخش

غیررسمی - که مالیات در آن پرداخت نمی شود - نام برد.

## ۲-۲-۲: شدت مقررات و قوانین اقتصادی

در بسیاری از کشورها قوانینی وجود دارد که طبق آن کارفرما باید کارکنان خود را بیمه اجتماعی نموده و حداقل دست‌مزد و استاندارد موجود را رعایت نماید. در مواردی هم اتحادیه‌های کارگری، دستمزدهایی وضع کرده اند که احساس می‌شود بالاتر از نرخ بازار کار آزاد است. شاید بتوان گفت که از اصلی‌ترین دلایل کاهش آزادی و انتخاب افراد در اقتصاد رسمی، افزایش در شدت مقررات است؛ اتخاذ حداقل دست‌مزدها و یا قوانین بدون بررسی کارشناسانه باعث خواهد شد کارفرمایان ضمن کاهش کارگران خود، نیروی کارشان را از بازار غیررسمی با هزینه‌های کمتر بگیرند. مسلماً افرادی که از بازار غیررسمی جذب می‌شوند، هم حقوق کمتری دارند و هم پرداختی بابت بیمه‌های اجتماعی در مورد آنان صورت نمی‌گیرد. از گذشته تا کنون، این موضوع را به طور واضح و آشکار در کشور خودمان دیده و می‌بینیم. در تشریح موضوع مطرح شده در بالا باید گفت افزایش حداقل دست‌مزد و مواردی از این قبیل (به طور کلی وجود قوانین شدید و سخت‌تر کردن آنها). از دو زاویه در بخش سایه ای اقتصاد قابل بررسی است. اگر این مقررات را شدید کنیم دو گروه کارگر و کارفرما تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اما بحث اصلی این است که آیا این مقررات به نفع نیروی کار - به عنوان یکی از عوامل تولید - خواهد بود یا نه؟

دولت مردان و اقتصاددانان در نگاه اول شاید قصد خیرخواهی برای بخش کم درآمد و کارگری داشته باشند، اما همان گونه که در ادامه می‌آید، خواهیم دید که این عمل اگر بدون بررسی همه جانبه انجام پذیرد، اولاً باعث گسترش بخش غیررسمی و ثانیاً باعث کاهش دست‌مزد کارگران خواهد شد. همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، کارفرما در مقابل عمل افزایش غیر منطقی حداقل دست‌مزد، سهم بیمه و ... عکس‌العمل اخراج را نشان می‌دهد و سپس از بازار غیررسمی نیروی کارش را تأمین می‌کند. به این صورت است که کارفرما در جهت گسترش بخش پنهان، گام بر می‌دارد. اما نیروی کار که اکنون بیکار شده است تا زمانی که بتواند شغلی بیابد و دست‌مزدی داشته باشد، باید با فعالیت در بخش غیررسمی به تأمین معاش خانواده خود بپردازد. از طرف دیگر، نیروی کاری که کارفرما از بازار غیررسمی جذب کرده است؛ اولاً حقوق کمتری دارد و ثانیاً سهمی از بیمه‌های اجتماعی ندارد. این موضوع سبب خواهد شد که کارگران



در قالب شغل دوم، باز هم در بازار غیررسمی اختلاف درآمد، هزینه خود را جبران کنند یا حداقل کمتر کنند. همان طور که دیدیم، افزایش بخش زیر زمینی توسط کارفرما و نیروی کار در نتیجه افزایش شدت مقررات به وجود آمد. کشور ما هم بارها شاهد این موضوع بوده است؛ البته شاید از منظر گسترش بخش غیررسمی به آن توجه نشده و فقط در قالب افزایش نرخ بیکاری به آن پرداخته شده است. در پایان این قسمت باید به این نکته اشاره کرد که مطالعات تجربی نشان داده است کشورهای که مقررات عمومی بیشتری دارند، از اقتصاد غیررسمی بزرگ تری نیز برخوردارند، به طوری که ۱ درصد افزایش در شاخص اندازه مقررات می تواند منجر به ۸/۱ درصد افزایش در سهم اقتصاد غیررسمی شود (Kaufman and Others: ۱۹۹۸). بر مبنای آنچه در این بخش گفته شد، به طور کلی بخش عمده هزینه‌ها ناشی از افزایش شدت قوانین به کارگر و کارمندان (نیروی کار) منتقل می شود و باعث کاهش انگیزه فعالیت در بخش رسمی خواهد شد و همچنین ورود نیروی کار به بخش زیر زمینی و گسترش آن را به دنبال خواهد داشت.

### ۲-۳: دخالت‌های دولت و اختلال‌های قانونی

در دهه‌های گذشته واقعیت مهمی در مورد افزایش بخش سایه ای اقتصاد روشن شده است و آن حضور و دخالت سیاستمداران و نظام بروکراسی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. تحقیقات انجام شده همین موضوع را اثبات می کند. کافمن و همکاران نشان دادند که گسترش حق نظارت و کنترل به وسیله سیاستمداران و توسعه سیستم بوروکراسی، سهم اقتصاد غیررسمی را نسبت به GDP افزایش داده است (Kaufman and Others: ۱۹۹۸). اما منظور از سیاسی کردن فعالیت‌های اقتصادی چیست؟ سیاسی کردن فعالیت‌های اقتصادی به معنی گسترش حق نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی به وسیله سیاستمداران است. اعمال کنترل و نظارت بر بنگاه‌ها از طریق دولت‌ها با دستورهای اداری آغاز شده و در ادامه در راستای منافع خصوصی سیاستمداران و بوروکرات‌ها مورد استفاده قرار می گیرد. در حوزه اقتصاد ایران نظیر دخالت‌های دولت را در گذشته و خصوصاً حال بارها دیده ایم. نرخ گذاری دستوری تسهیلات بانکی که با ایجاد اختلاف زیاد بین بازار رسمی و غیررسمی، باعث گسترش بازار غیررسمی وام شد؛ از این جمله است. در بحث بوروکراسی هم، وجود زمان‌های طولانی دریافت مجوزهای قانونی، تولید کنندگان زیادی را به سمت تولید بدون مجوز یعنی تولید در بخش زیر زمینی سوق می دهد.

## ۲-۲-۴: مهاجرت غیر قانونی

در برخی از کشورها عده ای مهاجر غیر قانونی وجود دارد که به دلیل نداشتن مجوز رسمی برای کار در بخش رسمی، در بخش غیررسمی مشغول به کار می شوند. این افراد به هر حال تحت هر شرایطی به طور قانونی وارد کشور مقصد نشده اند و نمی توانند در بخش رسمی فعالیت کنند. اما باید هزینه خود و شاید خانواده خود را تأمین کنند. نتیجه چنین وضعیتی، گسترش بخش زیرزمینی اقتصاد است. نظیر این مورد در کشور ما بر همگان روشن است. حضور تعدادی زیادی نیروی کار افغانی که غیر قانونی در کشور زندگی می کنند و دستمزدهای پایین تری نسبت به کارگران ایران دریافت می کنند، باعث شده است کارفرمایان با انتخاب کارگران افغان و به قصد کاهش هزینه ها سبب گسترش بخش غیررسمی شوند.

## ۲-۲-۵: فساد و رانت جویی

در ابتدا باید مشخص کرد منظور از فساد چیست؟ در ادبیات اقتصادی اغلب، فساد را استفاده از قدرت دولتی برای منافع شخصی می دانند. هر چند که فساد جنبه های متفاوتی دارد، ولی در تحلیل آن بیشتر به ارتباط فساد با فعالیت های دولت تأکید شده است. فساد و رانت جویی از عوامل ایجاد و گسترش بخش غیررسمی می باشد، تا کنون ارتباط فساد و رانت جویی با حجم فعالیت های غیررسمی در مدل های نظری گوناگونی سنجیده شده است و این موضوع به اثبات رسیده است که در کشورهایی که در آن ها فساد و رانت جویی به طور گسترده ای وجود دارد و قانون توانمندی ندارد، بخش غیررسمی بزرگتری دارند. در یکی از این تحقیقات کافمن (۱۹۸۸) با بررسی کشورهای OECD، آمریکای لاتین و اقتصادهای در حال گذار، به این نتیجه رسیده است که با گسترش سطح فساد و ضعیف تر شدن نقش قانون، حجم اقتصاد غیررسمی افزایش یافته است. در واقع کشورهای با سطح فساد بالاتر و نقش ضعیف تر قانون، با بخش غیررسمی بزرگ تر مواجه هستند. پس تقریباً می توان گفت در حوزه اقتصاد کشور نیز، در صورت زیادتر شدن فساد و خصوصاً رانت جویی باید منتظر گسترش بیشتر و بیشتر بخش زیر زمینی باشیم.

۲-۲-۶: رشد قیمت کالاهای مصرفی<sup>۱</sup>

افزایش سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی از دلایل افزایش حجم اقتصاد سیاه می‌باشد. از آن جا که توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، وضعیت نامطلوبی دارد، معنای افزایش سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی از یک جنبه، قرار گرفتن تعداد افراد بیشتری زیر خط فقر خواهد بود (تحقیقات انجام شده نیز، همین موضوع را تأیید می‌کند). در توجیه این مورد باید گفت که بالا رفتن سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی، بیشتر از افزایش حقوق و درآمد در بخش رسمی، به مفهوم بیشتر شدن اختلاف هزینه از درآمد خانوارها خواهد بود. نتیجه آن هم توجیه پذیرفتن خطرات ناشی از ورود به بخش غیررسمی و پنهانی خواهد بود که گسترش بیش از پیش بخش پنهان را به دنبال خواهد داشت. نظیر مورد یادشده در بالا را بارها در ایران دیده ایم. فرونی قیمت‌ها نسبت به درآمدها باعث شده است بخش اعظمی از کارمندان به سوی شغل دوم روی آورند و این شغل در بخش غیررسمی خواهد بود؛ چرا که امکان حضور یک فرد در دو شغل رسمی هم‌زمان وجود ندارد. در بخش پایانی همین نوشتار به بررسی اثر نرخ تورم بر رشد بخش غیررسمی پرداخته شده است که نتایج در مورد گروه کالا همین موضوع را اثبات می‌کند.

## ۲-۲-۷: بیکاری

نرخ‌های بالای بیکاری می‌تواند از جمله عوامل گسترش بخش زیر زمینی - به خصوص در کشورهای در حال توسعه - باشد. به عبارت بهتر، عدم وجود شغل رسمی، زمینه ساز ورود فرد به بخش پنهان خواهد شد. وجود نرخ‌های بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باعث شده است افراد برای تأمین زندگی خانواده به دنبال یافتن شغلی در بخش غیررسمی باشند. توجیه این مورد هم مشابه مورد قبلی می‌باشد. در حقیقت، عدم وجود شغل از یک سو و وجود هزینه‌های بالای زندگی از سوی دیگر، فرد را خواسته یا ناخواسته مجاب می‌کند که به فعالیتی در بخش پنهان روی آورد. نظیر این موضوع را خصوصاً در شهرهای بزرگ کشور که افراد به صورت فروشنده‌های دوره گرد به تأمین نیازهای اولیه خانواده خود می‌پردازند، دیده ایم. در اینجا سوال این است که اگر نرخ بیکاری کم بود و شغلی وجود داشت، آیا افراد حاضر بودند به

۱ - برای توضیحات بیشتر درباره موارد ۶ و ۷ و ۸ به (Arabmazaryazdi: ۲۰۰۱) مراجعه نمایید.

مشاغلی غیر دائم و پر مخاطره - به دلیل قانونی نبودن - روی آوردند؟ در مورد جهت اثر گذاری این عامل بر اقتصاد پنهان پیش بینی هایی می شود. چرا که بیکاری از جمله متغیرهای کلان اقتصادی بوده و افزایش آن می تواند نتیجه ورود اقتصاد به دوران رکود و کاهش تقاضای بازار نیروی کار باشد.

### ۸-۲-۸: درآمد سرانه

اگرچه شواهد نظری حاکی از اثر گذاری این شاخص بر تحولات اقتصاد سایه ای می باشد، اما مانند بیکاری در مورد جهت اثر گذاری آن ابهاماتی وجود دارد. توضیح این بخش نیز مانند بخش های بیکاری و افزایش سطح عمومی قیمت ها می باشد.

### ۳-۲: آثار وجود بخش غیررسمی بر بخش رسمی

#### ۱-۳-۲: رابطه پویای اقتصاد رسمی و اقتصاد غیررسمی

لویزا در یک تحلیل نظری، عوامل تعیین کننده و اثرات اقتصاد غیررسمی را در قالب یک مدل رشد درون زا که در آن تکنولوژی تولید وابسته به خدمات عمومی قابل تراکم است، مورد بررسی قرار داده است. در این مدل نشان داده شد که ایجاد تغییرات در پارامترهای سیاست گذاری و نیز در کیفیت نهادهای دولتی که منجر به افزایش اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی می شود، در نهایت به کاهش نرخ رشد اقتصادی می انجامد.

همچنین او در یک بررسی تجربی در مورد کشورهای آمریکای لاتین دریافته است که افزایش بار مالیاتی و محدودیت های بازار کار و نیز کیفیت پایین نهادهای دولتی بر اقتصاد غیررسمی، اثر فزاینده دارند. افزایش حجم فعالیت های غیررسمی از طریق کاهش دسترسی به خدمات بخش عمومی و نیز افزایش تعداد فعالیت هایی که با کارایی پایین از خدمات عمومی موجود استفاده می کنند، منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

#### ۲-۳-۲: تأثیر بر اثر گذاشتن تولید ناخالص داخلی

به دلیل تفاوت میان میزان واقعی درآمد و میزان ثبت شده آن، همیشه تخمین کم تر از واقعی (در شرایطی که اقتصاد غیررسمی حجم بالایی داشته باشد) تولید ناخالص داخلی خواهیم داشت. اصولاً در کشورهایی که بخش غیررسمی با سرعتی بیش از بخش رسمی رشد می کند، قضاوت در مورد رشد اقتصادی با خطای زیاد همراه است.

**۲-۳-۳: تأثیر بر مالیات دریافتی**

چنانچه منابع دریافت مالیات کمتر از میزان واقعی باشد، طبیعتاً درآمدهای مالیاتی نیز کاهش خواهد یافت.

**۲-۳-۴: تأثیر بر توزیع درآمد**

رشد بخش غیررسمی از دو طریق بر توزیع درآمدها اثر گذار است. یکی از این راه ها کاهش درآمدهای دولت برای توزیع مجدد و کاهش اختلاف طبقاتی است و دیگری از طریق اختلاف طبقاتی که به طور طبیعی بر اثر فعالیت غیررسمی در جهت بهبود وضعیت عاملان آن ایجاد می شود.

**۲-۳-۵: تأثیر بر برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها**

در یک نظام تصمیم گیری، سیاست گذاران بر اساس یک نظام اطلاعاتی حاوی شاخص های آماری تصمیم گیری می کنند. اگر نظام اطلاعاتی تحت تأثیر اقتصاد زیر زمینی باشد، سیاست گذاری ها نیز نتایج مورد نظر را نخواهد داد؛ زیرا از طرفی منابع و از طرف دیگر نتایج با خطا مورد ارزیابی قرار می گیرند.

**۲-۳-۶: تأثیر بر رفاه اجتماعی**

چنان که گفته شد، کاهش درآمدهای دولت در اثر گسترش فعالیت های غیررسمی، منجر به کاهش سطح کالاها و خدمات عمومی و به تدریج کاهش سطح رفاه اجتماعی می شود. البته عده ای که در بخش غیررسمی به فعالیت مشغولند، به رفاه بیشتری دست می یابند که در محاسبات رسمی رفاه اجتماعی به حساب نمی آید. هر چند ورود آن ها به بخش غیررسمی، خود به کاهش رفاه برخی از افراد منجر می شود ولی بر اساس اصل جبران، چنانچه میزان رفاه اضافه شده برای فعالان غیررسمی بیش از زیان دیگران باشد، رفاه اجتماعی با حضور بخش غیررسمی افزایش خواهد یافت.

**۳- حجم اقتصاد غیررسمی****۱-۳: مروری بر مطالعات تجربی صورت گرفته**

در سطح جهان تحقیقات متعددی در زمینه اندازه گیری حجم اقتصاد غیررسمی صورت گرفته است که برخی از آن ها در ادامه آمده است.

یکی از مطالعات صورت گرفته توسط انست و اشنایدر صورت گرفته است که آن‌ها در این مطالعه به بررسی حجم اقتصاد غیررسمی در ۶۷ کشور در سه گروه در حال توسعه، در حال گذار و توسعه یافته پرداخته اند (Schneider and Enste: ۲۰۰۰). برآورد آن‌ها که با استفاده از روش نهاده فیزیکی و روش تقاضای پول انجام شده است، نشان داد که اقتصاد غیررسمی حدود ۷۵ درصد تولید ناخالص ملی را در کشورهایی مانند تایلند و مصر در بر می گیرد. اما این رقم در مورد بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی بین ۲۵ تا ۳۳ درصد متغیر است.

بوفاف با استفاده از روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه، اقتصاد غیررسمی در کشور هند را در دوره زمانی ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸ بررسی کرد و حجم اقتصاد غیررسمی را در ۱۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی به دست آورد (Bouev: ۲۰۰۲).

دل آنو اقتصاد غیررسمی را در ایتالیا طی دوره ۱۹۶۲ تا ۲۰۰۰ بررسی کرد. او که از معادله ساختاری بهره برد و سپس برای وارد کردن متغیرهای مرتبط با روابط اجتماعی، از روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه استفاده کرد، حجم اقتصاد غیررسمی را در کشور مذکور حدود ۲۵ درصد تخمین زد (Del Anno: ۲۰۰۳).

اندازه گیری حجم بخش غیررسمی ایران برای اولین بار توسط خلعتبری صورت گرفت. او از روش‌های پولی و اختلاف درآمد و هزینه خانوار (اختلاف باقیمانده) استفاده کرد. نتیجه در روش اختلاف درآمد و هزینه خانوار، حاکی از وجود اقتصاد غیررسمی به میزان ۲۴/۴۳ درصد بود (Khalatbari: ۱۹۹۰).

باقری گرمارودی از تصریح معادله به منظور کاربرد روش پولی استفاده کرده و حجم اقتصاد غیررسمی بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۴ را ۲۳ درصد اقتصاد رسمی اعلام کرده است (Bagheri Garmarody: ۱۹۹۸).

اشراف زاده و مهرگان در مطالعه مشابهی حجم اقتصاد غیررسمی را در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۴۸ برابر ۱۲ درصد اقتصاد رسمی برآورد کرده اند (Asharafzadeh and Mehregan: ۱۹۹۹).

در پژوهش دیگری عرب مازار یزدی با استفاده از روش شاخص‌های چندگانه-علل چندگانه، حجم اقتصاد غیررسمی را ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد کرده است. لازم به ذکر است که این پژوهش بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۷ انجام گرفته است (Arabmazaryazdi: ۲۰۰۱).

اسفندیاری و جمال منش با استفاده از روش معادله رگرسیونی برای تخمین تقاضای پول برای

دوره زمانی ۱۳۵۵ الی ۱۳۷۹ استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اندازه اقتصاد غیررسمی در این دوره، نوساناتی داشته است؛ به طوری که از ۹/۶ درصد در سال ۵۶ به ۱۷/۲۲ درصد در سال ۷۸ رسیده است و این رقم در سال ۷۹ برابر ۱۴/۶۵ درصد اقتصاد رسمی شده است (Esfandiari and Jamalmanesh: ۲۰۰۲).

با استفاده از دو روش شکاف درآمد-هزینه خانوار و نسبت نقد، تحقیقی توسط اسفندیاری و مهربانی انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که اندازه اقتصاد غیررسمی بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ بر اساس روش اول ۲۱/۸ درصد و بر اساس روش دوم ۱۹/۶۴ درصد بوده است (Esfandiari and Mehrabani: ۲۰۰۶).

### ۲-۳: برآورد حجم اقتصاد غیررسمی در ایران

برای محاسبه بخش غیررسمی روش‌های گوناگونی وجود دارد که در این نوشتار برای اندازه‌گیری بخش غیررسمی از روش شکاف درآمدی استفاده شده است. منطق این روش این است که اگر چه افراد شاغل در بخش غیررسمی سعی در پنهان کردن درآمد خود دارند، ولی نمی‌توانند هزینه‌های خود را مخفی کنند. این تفاوت که تحت عنوان «اختلاف باقیمانده»<sup>۱</sup> نیز نامیده می‌شود، نشان دهنده تخمین ساده‌ای از حجم فعالیت‌های بخش غیررسمی است و این‌گونه محاسبات در اغلب کشورها صورت گرفته است.

اطلاعات لازم برای این روش، شامل متوسط درآمد خانوارهای شهری و متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری می‌باشد که از بانک سری‌های زمانی مرکز ملی آمار ایران و نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری استخراج شده است. درآمد خانوار عبارت است از وجوه و ارزش پولی کالاها و خدماتی که در برابر کار انجام شده یا سرمایه به کار افتاده و یا از طریق منابع دیگر (حقوق بازنشستگی، درآمد حاصل از دارایی، دریافتی‌های انتقالی و نظایر آن) به هریک از اعضای خانوار تعلق گرفته باشد. ارزش پولی کالا یا خدمت تهیه شده توسط خانوار به منظور مصرف اعضا یا هدیه به دیگران، هزینه نامیده می‌شود.

فری و پومرهن برای چند کشور از روش فوق استفاده نمودند و نتیجه حاصل را به عنوان درصدی از GNP ارائه دادند. دیلنا و موریس (۱۹۷۷) با استفاده از این روش و با استفاده از آمارهای مربوط به ۷۰۰۰ خانوار بریتانیایی به این نتیجه رسیدند که ده تا پانزده درصد خانوارها درآمد بازگو نشده دارند؛ ولی کل درآمدهای پنهان شده رقم کوچکی است که در حدود سه درصد GDP می باشد.

فری و پومرهن در سال ۱۹۸۲ سه نقطه ضعف برای این روش ذکر کردند که عبارتند از:

۱- خطای برآورد مجموع درآمد؛ ۲- خطای پوشش آماری و ۳- امکان از قلم افتادن بخشی از درآمدهای مالیاتی در آمار درآمد ملی.

در مقابل این تفکر انتقادی، ماترا از جمله افرادی است که موافق با این روش است. چرا که او اولاً اندازه گیری اختلاف درآمد گزارش نشده را از روش های پولی متقاعد کننده تر می داند و ثانیاً معتقد است که آمارهای مربوط به هزینه به مراتب قابل اطمینان تر از آمارهای مربوط به نسبت پول در گردش است. بر اساس روش مذکور، به بررسی حجم بخش غیررسمی در ایران بین سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ می پردازیم.

با توجه به این که برای محاسبه شکاف درآمدی از میانگین اختلاف هزینه و درآمد در دهک های درآمدی استفاده شده است و از آن جایی که اطلاعات درآمد-هزینه خانوارهای شهری در سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۴ در دهک های مختلف محاسبه نشده و موجود نیست، در این پژوهش برای سال های مذکور از متوسط درآمد و هزینه کل خانوار استفاده شده است. سپس با توجه به میانگین خطای اندازه گیری برای سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ از طریق متوسط درآمد هزینه کل، رقم اقتصاد غیررسمی در سال های پیش گفته (۷۴-۶۱) تعدیل شده است. اندازه بخش غیررسمی به همراه تعدیل صورت گرفته و رشد این بخش در جدول شماره ۱ آمده است. در قسمت تعدیل شده جدول شماره ۱ ارقام سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۴ ارقام تعدیل شده و سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ ارقام واقعی هستند. همان طور که در جدول مذکور می بینیم بیشترین آمار بخش غیر رسمی مربوط به سال ۶۸ می باشد. سال های جنگ و خصوصاً اوج آن در سال ۶۸ بهترین دلیل این رقم بالا می باشد. در این سال اندازه اقتصاد غیررسمی برابر ۶۷/۷۷ درصد بوده است. کمترین میزان اقتصاد غیررسمی هم مربوط به سال ۷۲ می باشد. این رقم برابر ۹/۲۷ درصد می باشد که گذر از دوران جنگ و قدرتمندتر شدن نهادهای سیاسی و اقتصادی می تواند توجیهی



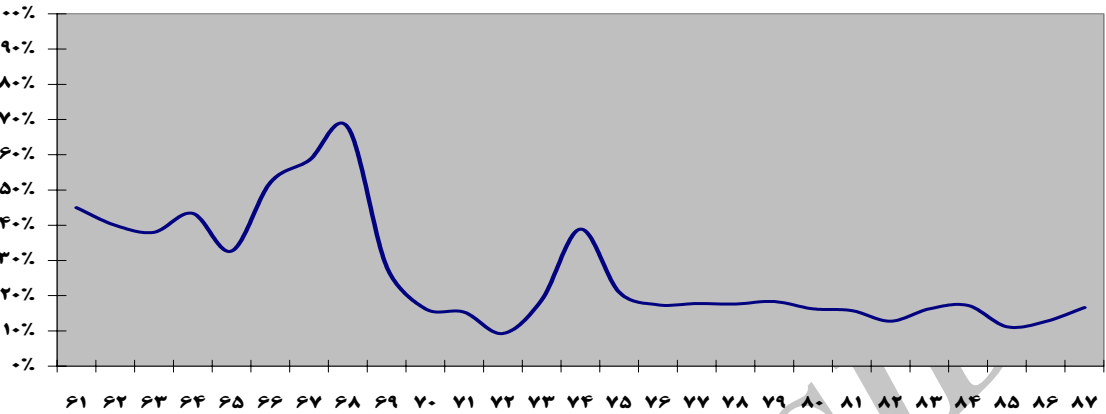
برای این میزان باشد. نمودار شماره ۱ روند حجم بخش پنهان را در ایران بین سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ نشان می دهد.

همان طور که در نمودار شماره ۱ مشاهده می شود می توان دوره مورد بررسی را به سه بخش تقسیم کرد:

بخش اول بین سال های ۶۱ تا ۶۸ که هم زمان با دوره جنگ است و روندی افزایشی دارد. در این دوره، وجود جنگ در کشورمان می تواند به عنوان بهترین دلیل برای این روند افزایشی بیان شود.

بخش دوم بین سال های ۶۹ تا ۷۴ است که تا سال ۷۲ روندی کاهشی دارد و در سال های ۷۳ و مخصوصاً ۷۴ ناگهان افزایش می یابد. افزایش تورم تا جایی که در سال ۷۴ اقتصاد ایران تورم حدود ۴۹ درصد را تجربه کرد، می تواند بهترین توجیه برای افزایش ناگهانی بخش غیررسمی در این سال باشد. در حالی که روند اقتصاد غیررسمی پس از جنگ به طور طبیعی در حال کاهش بوده است، وجود تورم بالا و فزونی هزینه بر درآمد خانوارها، افراد را مجاب به ورود به بخش پنهان کرده است. بخش سوم بین سال های ۷۵ تا ۸۷ می باشد که در این دوره نوسانات بسیار کمی وجود دارد و با شیبی ملایم تا سال ۸۲، کاهش بخش پنهان دیده می شود؛ این روند در سال های ۸۳ و ۸۴ معکوس شده و افزایش بخش غیررسمی با شیب قابل توجهی دیده می شود. سپس در سال ۸۵ کاهشی در بخش غیر رسمی دیده می شود. اما در سال های ۸۶ و ۸۷ دوباره این رقم با افزایش روبه رو است که می تواند به عنوان زنگ خطری باشد. به نظر می رسد افزایش تورم بیش از افزایش دستمزدها از یک سو و خروج افراد از بنگاه ها و کارگاه هایی که تحت عنوان زود بازده تأسیس شده اند به همراه ایجاد و اعمال قوانینی چون حداقل دست مزد به طور غیر کارشناسانه از سوی دیگر این افزایش را قابل توجهی می کند. باید این نکته را هم ذکر کرد که در بررسی انجام شده، اندازه اقتصاد غیررسمی به طور میانگین و متوسط در دوره مورد بررسی برابر ۴۸/۲۶ درصد می باشد.

نمودار شماره ۱ (حجم بخش غیررسمی به روش شکاف درآمدی در سال‌های ۸۷-۱۳۶۱)



منبع: جدول شماره ۱

جدول شماره ۱ (درصد فعالیت در بخش غیررسمی در سال‌های ۸۷-۱۳۶۱)

سال	غیررسمی	رشد	سال	غیررسمی	رشد
۱۳۶۱	۴۴/۹۷	-	۱۳۷۵	۲۰/۹۷	-۴۶/۰۹
۱۳۶۲	۳۹/۹۷	-۱۱/۱۱	۱۳۷۶	۱۷/۴۱	-۱۶/۹۹
۱۳۶۳	۳۸	-۴/۹۳	۱۳۷۷	۱۷/۷۶	۲/۰۱
۱۳۶۴	۴۳/۳۶	۱۴/۰۹	۱۳۷۸	۱۷/۶۴	-۰/۶۵
۱۳۶۵	۳۲/۶۷	-۲۴/۶۶	۱۳۷۹	۱۸/۳۲	۳/۸۵
۱۳۶۶	۵۲/۱۱	۵۹/۵	۱۳۸۰	۱۶/۲۶	-۱۱/۲۶
۱۳۶۷	۵۸/۴۳	۱۲/۱۴	۱۳۸۱	۱۵/۷۷	-۳/۰۱
۱۳۶۸	۶۷/۷۷	۱۵/۹۸	۱۳۸۲	۱۲/۷۷	-۱۹/۰۴
۱۳۶۹	۲۸/۲۲	-۵۸/۳۷	۱۳۸۳	۱۶/۲۵	۲۷/۳۳
۱۳۷۰	۱۶/۲۸	-۴۲/۳۲	۱۳۸۴	۱۷/۲۱	۵/۸۶
۱۳۷۱	۱۵/۳۲	-۵/۸۸	۱۳۸۵	۱۱/۱۹	-۳۴/۹۴
۱۳۷۲	۹/۲۷	-۳۹/۴۹	۱۳۸۶	۱۲/۶۵	۱۲/۹۸
۱۳۷۳	۱۸/۷۷	۱۰۲/۴۷	۱۳۸۷	۱۶/۶۳	۳۱/۴۷
۱۳۷۴	۳۸/۸۹	۱۰۷/۲۳			

منبع: الف) بانک سری‌های زمانی مرکز ملی آمار ایران و نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری  
 ب) محاسبات تحقیق به وسیله محقق

## ۴- بررسی اثر نرخ تورم بر بخش غیررسمی

همان‌طور که در بحث علل ایجاد بخش غیررسمی نیز بدان اشاره شد، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یکی از دلایل ایجاد این بخش می‌باشد. در واقع، تورم یا افزایش سطح عمومی قیمت کالاها در بخش رسمی، فزونی هزینه بر درآمد خانوارها را به دنبال خواهد داشت. در چنین مواردی به دلیل این که امکان حضور در دو شغل رسمی به طور هم‌زمان وجود ندارد، افراد بخش غیررسمی را برای تأمین هزینه‌های خود انتخاب کرده و وارد این بخش می‌شوند. بر این اساس، در این نوشتار می‌خواهیم اثر تورم بر اقتصاد غیررسمی را در ایران شناسایی کنیم. برای این منظور در تحقیق حاضر به بررسی اثر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در گروه‌های اختصاصی، بر رشد اندازه بخش پنهان اقتصاد از روش حداقل مربعات معمولی می‌پردازیم. منظور از گروه‌های اختصاصی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی گروه کالا، گروه خدمت و گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها می‌باشد. اطلاعات آماری این قسمت از بانک سری‌های زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.

مدل به صورت زیر در نظر گرفته شد:

$$\text{INFORMAL} = \beta_0 + \beta_1 \text{GOODS} + \beta_2 \text{SERVICES} + \beta_3 \text{OTHERS} + u$$

و متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر می‌باشند:

INFORMAL = نرخ رشد بخش غیررسمی

GOODS = نرخ تورم گروه کالایی

SERVICES = نرخ تورم گروه خدمات

OTHERS = نرخ تورم گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها

برای بررسی اثر پیش گفته، ابتدا باید مانایی متغیرها را بررسی نمود و برای همین منظور از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شد. همان‌طوری که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، همه متغیرها در سطح ۹۵ درصد مانا هستند.

جدول شماره ۲ (نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته)

آزمون دیکی- فولر					
نتیجه آزمون	دارای عرض از مبدا و روند	نتیجه آزمون	دارای عرض از مبدا	متغیر	
مانا	- ۴/۲۸۸	مانا	- ۴/۳۸۶	آماره ADF	INFORMAL
	- ۳/۶۰۳۲		- ۲/۹۸۶۲	در سطح معنی داری ۵ درصد	
مانا	- ۳/۸۵۲۳	مانا	- ۳/۹۴۰۲	آماره ADF	GOODS
	- ۳/۶۰۳۲		- ۲/۹۸۶۲	در سطح معنی داری ۵ درصد	
مانا	- ۴/۶۶۳۵	مانا	- ۴/۵۴۴۹	آماره ADF	SERVICES
	- ۳/۶۰۳۲		- ۲/۹۸۶۲	در سطح معنی داری ۵ درصد	
مانا	- ۴/۵۲۳۱	مانا	- ۴/۴۷۶۹	آماره ADF	OTHERS
	- ۳/۶۰۳۲		- ۲/۹۸۶۲	در سطح معنی داری ۵ درصد	

منبع: محاسبات تحقیق

پس از تخمین به روش OLS نتایج زیر حاصل شد. توضیح این که اعداد داخل پرانتز، انحراف معیار را نشان می‌دهد و برای تمامی آزمون‌ها و تخمین مورد نظر از نرم افزار 5 EViews استفاده شده است.

$$\text{INFORMAL} = -0.1584 + 2.8525 \text{ GOODS} - 0.6847 \text{ SERVICES} - 0.973 \text{ OTHERS}$$

$$(0.0726) \quad (0.5415) \quad (0.6447) \quad (0.7541)$$

$$R^2 = 0.61 \quad F = 11.36 \quad DW = 2.44$$

در تخمین فوق ضریب تورم گروه کالا مثبت بوده و در سطح ۹۵ درصد معنی دار است و مفهوم آن این است که ۱ درصد افزایش در تورم گروه کالا حدود ۲/۸۵ درصد بخش غیررسمی را افزایش می‌دهد. سایر ضرایب معنی دار نبودند.  $R^2$  نیز برابر ۰/۶۱ شده است که نشان از خوبی

برازش دارد.

در بررسی فروض کلاسیک این مدل، آزمون ناهمسانی واریانس وایت<sup>۱</sup> برای بررسی واریانس همسانی و آزمون LM<sup>۲</sup> برای بررسی خودهمبستگی صورت گرفت و آزمون‌ها همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی را تایید کردند. نتایج گفته شده در ضmann آمده است. نتیجه به دست آمده در این تحقیق، منطبق بر نظریه‌های ارائه شده در مورد گسترش بخش غیررسمی اقتصاد می‌باشد. به این معنی که می‌توان گفت افزایش نرخ تورم در گروه کالایی که به نوعی موجبات افزایش سودآوری و رونق را در این بخش به دنبال خواهد داشت و لذا زمینه ورود بنگاه‌هایی را در قالب بخش غیررسمی به این بخش فراهم می‌کند. چرا که این بنگاه‌ها می‌توانند به دلایلی چون عدم پرداخت مالیات، استفاده از مواد اولیه نامرغوب، عدم رعایت استانداردهای لازم، پرداخت اجاره‌های پایین و مواردی از این دست در قالب بخش غیررسمی به تولید کالا با هزینه‌ای پایین‌تر نسبت به بخش رسمی اقدام کنند و در نتیجه محصولات تولیدی خود را که با هزینه‌ای پایین‌تر تولید شده است، می‌توانند به قیمت‌هایی پایین‌تر از قیمت‌های بخش رسمی به فروش رسانند. از این رو تقاضا برای کالاهای تولیدی آن‌ها افزایش یافته و این امر موجبات سودآوری فعالان اقتصادی بخش غیررسمی و در نتیجه گسترش این بخش را به دنبال خواهد داشت.

## ۵ - نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد که ضمن بررسی علل ایجاد و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد و بررسی هر مورد در حوزه اقتصاد ایران، در کنار نشان دادن آثار وجود این بخش، نسبت به گسترش این پدیده هشدار داده شود. در حالی که دلایل ایجاد بخش غیررسمی برای تمامی کشورها ارائه شده است؛ اما گویی سیاست‌مداران و دولت‌مردان و حتی اقتصاددانان در کشور ما نسبت به گسترش اقتصاد غیررسمی و دلایل و آثار آن بی‌توجه شده‌اند. در حالی که جلوگیری از بخش غیررسمی می‌تواند نمایان‌گر وضعیت مطلوب در بخش رسمی اقتصاد باشد، بی‌توجهی

1 - White Heteroskedasticity Test

2 - Lagrange Multiplier Test

به آثار بخش پنهان غیر منطقی به نظر می‌رسد.

همان‌طور که در ابتدای این نوشتار نیز بر آن تأکید شد، اثبات مفید یا مضر بودن اقتصاد پنهان مد نظر نیست و در حقیقت نگارندگان به دنبال نشان دادن این موضوع هستند که گسترش بخش غیررسمی، پدیده‌ای مضر است و باید با آن مقابله کرد. زیرا گسترش این بخش از یک طرف به مفهوم افزایش آثار مخرب آن و از طرف دیگر، کاستی و قصور در یکی از دلایل ایجادکننده بخش پنهان می‌باشد.

وجود مالیات‌های غیر کارشناسانه و بیش از اندازه باعث گسترش پدیده‌هایی نظیر فرار مالیاتی می‌شود که پیامدهایی چون کاهش درآمد مالیاتی دولت و کاهش کیفیت خدمات عمومی ارائه شده، را به دنبال خواهد شد. وجود قوانین و مقررات، بیش از حد لازم، تنها نتیجه‌ای که به دنبال دارد این است که تمایل افراد را برای کار و فعالیت در بخش غیررسمی با قوانین بسیار کمتر (در مواردی حتی بدون قانون) فزونی می‌بخشد. مبارزه با رانت جویی و فساد و عدم فعالیت دولت در امور اقتصادی، از جمله اموری هستند که حتماً باید به آن‌ها توجه شود تا شاهد گسترش بخش پنهان نباشیم. لزوم توجه به متغیرهای کلان اقتصادی چون: تورم، بیکاری و درآمد سرانه نیز از جمله عواملی است که می‌تواند بر اقتصاد پنهان تأثیر بگذارد. یکی از راهکارهای پیشنهادی می‌تواند استفاده از یک سیستم مالیاتی کارآمد باشد.

در این پژوهش با استفاده از روش اختلاف باقیمانده به بررسی اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران پرداخته شد و نتایج نشان داد بیشترین آمار بخش غیررسمی مربوط به زمان جنگ تحمیلی بود؛ به طوری که در سال ۶۸ اندازه اقتصاد غیررسمی برابر ۶۷/۷۷ درصد بوده و کمترین میزان اقتصاد غیررسمی مربوط به سال ۷۲ و برابر ۹/۲۷ درصد بوده است.

همان‌طور که در مدل تخمین زده شده نیز ملاحظه شد، افزایش تورم در گروه کالا باعث رشد بخش غیررسمی خواهد شد. و افزایش نرخ تورم در گروه کالایی سبب افزایش سودآوری در این بخش شده و امکان ورود بنگاه‌هایی را در قالب بخش غیررسمی توجیه پذیر می‌کند. در چنین شرایطی بنگاه‌های مذکور به دلایلی نظیر عدم پرداخت مالیات، عدم رعایت استانداردهای لازم، پرداخت اجاره‌های پایین و مواردی از این دست، حضور در بخش غیررسمی را ترجیح می‌دهند، زیرا موجب کاهش هزینه‌های آن‌ها خواهد شد و کاهش هزینه به معنای تولید کالا با هزینه کمتر از بخش رسمی می‌باشد. این موضوع، توجه هرچه بیشتر سیاست‌گذاران اقتصادی به پدیده‌های

مرتبط با بخش پنهان اقتصاد، نظیر تورم را روشن می‌سازد. نباید فراموش کنیم که افزایش فعالیت در بخش غیررسمی به نوعی به مفهوم پنهان شدن درآمدها می‌باشد که کاهش درآمدهای مالیاتی، خطا و اشتباه در توزیع مجدد درآمد و نظایر این موارد را به دنبال دارد.

#### References:

- 1- Abrishami, Hamid and Others, (2007), "**Symmetrical reaction of the underground economy to tax changes**", *Journal of Economic Research*, No. 79, pp 1-18. (in Persian)
- 2- Arabmazaryazdi, A, (2001), "**The black economy in Iran; the size, its causes and effects in the past three decades**", *Journal of Planning and Budget*, No. 62 and 63, pp 30-60. (in Persian)
- 3- Arabmazaryazdi, A and Others, (2002), "**Method of measuring the informal sector in Iran**", Research Department of Economic Statistics. (in Persian)
- 4- Asharafzadeh, H.R and Mehregan, N, (1999), "**Estimating the volume of activities in the underground economy in Iran by using demand for banknotes and coin in circulation method**", the third conference on trafficking, Tehran, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- 5- Bagheri Garmarody, (1998), "**Underground economy, estimates and statistics on budget deficits and private investment during 1374-1350**", MA thesis, Shahid Beheshti University. (in Persian)
- 6- Bouev, M, (2002), "Official Regulations and the Shadow Economy: A Labour Market Approach", William Davidson Institute Working Paper, No.524.
- 7- Del'Anno, R,(2003), "**Estimating the shadow economy in Italy: a structural equation approach; Discussion paper**", Department of Economics and statistics, University of Salerno.
- 8- Esfandiari, A and Jamalmanesh a, (2002), "**The underground economy and its impact on national economy**", *Journal of Budget and Planning*, No. 77. (in Persian)
- 9- Esfandiari, Ali and Mehrabani F, (2006), "**Investigating of underground economy by using currency ratio and gap between expenditure and income of the family**", *Economic Research Review*, No. 23, pp 133-162. (in Persian)
- 10- Fige, Edgard, L. (1990), "**Defining and Estimating Underground and Informal Economics: the New Institutional Economics Approach**", *World Development*, 18, (7), pp 989-1002.
- 11- H.Fleming Matthew, John Roman, and Graham Farrell, (2000), "**The Shadow Economy**", pp 387-409.

- 12- Kaufman, D. Johnson, S. and Zoido-Lobaton, P, (1998), "**Regulatory Discretion and the Unofficial Economy**", *American Economic Review*, No. 88, pp 387-392.
- 13- Kaufmann, D. Johnson, S. and Zoido-Lobaton, P. (1998), "**Corruption, Public Finances and the Unofficial Economy**", *ECLAC Conference*, (January 26-28, 1998a).
- 14- Keivanfar, M, (2009), "**Studying hidden economy and ways to challenge**", *Symposium on Healthy Economy*, Tehran, Iran. (in Persian)
- 15- Khalatbari, F, (1990), "**Underground Economy**", *Ronagh Journal*, First year, No.1 and 2, pp 5-11. (in Persian)
- 16- Mafi, E, (1993), "**A brief review of the informal economy in Mashhad**", *Geographical Research Quarterly*, No. 28. (in Persian)
- 17- Mohammadbeygi, A, (1997), "**The informal sector in the economy**", *Journal of Planning and Budget*, No. 7 and 8, pp 95-113. (in Persian)
- 18- Naderan, E and Seddighi, H, (2008), "**The effect of taxes and its components on the size of underground economy in Iran**", *Journal of Economic Research*, No. 85. (in Persian)
- 19- Nayeb, S, (1999), "**The structure of the urban informal sector in the labor market in Iran**", MSc Thesis, Economics Department, University of Isfahan. (in Persian)
- 20- Nili, M, Maleki, M, (2006), "**Informal economy; causes, and methods of estimate and effects on the formal sector**", *Sharif Journal*, No. 36, pp 45-59. (in Persian)
- 21- Pazhoyan, J and Madah, M, (2006), "**The economic study of smuggling in Iran**", *Economic Research Review*, No. 20, pp 43-70. (in Persian)
- 22- Schneider, F, and Enste, D, (2000), "**Shadow economies: size, causes, and consequences**", *Journal of Economic Literature*, No. 38.
- 23- Shakibaei, A.R and Raeispour, A, (2007), "**The evolution of shadow economy in Iran, a DYMIMIC approach**", *Quarterly Journal of the Economic Research*, Vol. 7, No. 3. (in Persian)
- 24- Statistics Center of Iran, "**the results of surveys of costs and income of urban households**", In different years. (in Persian)
- 25- Tanzi, Vito, (1999), "**Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy**", *Economic Journal*, 109/456, pp 338-340.
- 26- Thomas, J, J and Raul Ryskavyj, (1997), "**informal economy**", translate by Nourbakhsh and Sepehri, Monetary and Banking Research Institute, First Printing. (in Persian)



ضمائم :

## آزمون وایت

White Heteroskedasticity Test:

F-statistic	1.024987	Probability	0.461488
Obs*R-squared	9.508347	Probability	0.391731

Test Equation:

Dependent Variable: RESID^2

Method: Least Squares

Date: 03/13/10 Time: 00:29

Sample: 1362 1387

Included observations: 26

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.088205	0.057263	1.540351	0.1430
GOODS	1.952538	0.981283	1.989781	0.0640
GOODS^2	0.594100	2.953110	0.201178	0.8431
GOODS*SERVICES	-0.666134	5.562982	-0.119744	0.9062
GOODS*OTHERS	-7.596614	5.444312	-1.395331	0.1820
SERVICES	-0.955551	2.739108	-0.348855	0.7317
SERVICES ^2	3.248194	3.783584	0.858497	0.4033
SERVICES*OTHERS	-1.998398	5.855924	-0.341261	0.7373
OTHERS	-0.799629	2.745468	-0.291254	0.7746
OTHERS ^2	4.444662	6.859677	0.647940	0.5262
R-squared	0.365706	Mean dependent var		0.059682
Adjusted R-squared	0.008915	S.D. dependent var		0.091234
S.E. of regression	0.090826	Akaike info criterion		-1.676011
Sum squared resid	0.131991	Schwarz criterion		-1.192128
Log likelihood	31.78814	F-statistic		1.024987
Durbin-Watson stat	2.413281	Prob(F-statistic)		0.461488

## آزمون LM

Breusch-Godfrey Serial Correlation LM Test:

F-statistic	0.805360	Probability	0.460901
Obs*R-squared	1.937868	Probability	0.379487

Test Equation:

Dependent Variable: RESID

Method: Least Squares

Date: 03/13/10 Time: 00:32

Presample missing value lagged residuals set to zero.

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-0.000413	0.073448	-0.005626	0.9956
GOODS	-0.222005	0.647434	-0.342900	0.7353
SERVICES	0.117902	0.660177	0.178592	0.8601
OTHERS	0.072631	0.800402	0.090743	0.9286
RESID(-1)	-0.298474	0.235404	-1.267925	0.2194
RESID(-2)	-0.136833	0.273537	-0.500235	0.6224
R-squared	0.074533	Mean dependent var		2.14E-17
Adjusted R-squared	-0.156833	S.D. dependent var		0.249137
S.E. of regression	0.267962	Akaike info criterion		0.403229
Sum squared resid	1.436070	Schwarz criterion		0.693559
Log likelihood	0.758019	F-statistic		0.322144
Durbin-Watson stat	1.924329	Prob(F-statistic)		0.893723